

عبور از نیهیلیسم



احمد غلامی

اگر بگویم جامعه ایران دچار نیهیلیسم شده است، سیاه‌نمایی کرده‌ایم؟ سیاه‌نمایی یعنی اغراق در بیان معضلات جامعه، یعنی اصل معضل انکارکردنی نیست؛ اما در بیان معضل اغراق شده است. اما درباره مفهوم نیهیلیسم قضاوت چندان راحت نیست. چون اغراق در بطن این مفهوم پنهان است. بدون هیچ پسوند و پیشوندی خود نیهیلیسم غایت وضعیتی را نشان می‌دهد. ترویج این تفکر در جامعه به یاس و ناامیدی، خشونت و بی‌قانونی و بی‌رحمی و بی‌بندوباری می‌انجامد. اما نیهیلیسم در میان گروه‌هایی نیز واکنش‌هایی متفاوت برمی‌انگیزد. مقاومت در برابر این فضا موجب گرایش‌های خلاقانه می‌شود. گرایش‌هایی که می‌تواند فضایی را که این مفهوم ساخته، از کار ببندازد. آیا جامعه‌ای وجود دارد که دچار چنین بیماری‌ای نباشد. بی‌شک پاسخ منفی است. نیهیلیسم کم و زیاد با تنوع چشمگیر در جوامع وجود دارد. هر جامعه‌ای نیهیلیسم خودش را تجربه می‌کند و مهم‌تر از همه واکنش‌های هر جامعه‌ای بستگی دارد به موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن. جامعه آمریکا نیهیلیسم خود را به شیوه انتقام از سرمایه‌داران نشان داده است. آن هم با انتخاب سرمایه‌داری از جنس کوچه‌بازار علیه سرمایه‌داری نخبه‌سالار. پوپولیسم پولدار علیه نخبه پولدار. گاهی انتقام‌جویی به انتقام از خود تمام می‌شود. مردم برای انتقام از اکبر هاشمی‌رفسنجانی به محمود احمدی‌نژاد روی آوردند. این‌روی‌گردانی بیش از آنکه انتقاد از رئیس‌جمهور دوره سازندگی باشد، به انتقام از خود منجر شد. انتقام از خود، یکی از ویژگی‌های جامعه نیهیلیست نیست. به تعبیر ژرژک سرمایه‌داری اضطراب‌آفرین است، چراکه امکان انتخاب آدم‌ها را افزایش داده و سلیقه‌شان را دست‌کاری می‌کند. آدمی برای اینکه از بازار مصرف عقب نماند، دچار افزایش سرعت در تصمیم‌گیری و سردرگمی و تشویش و به معنای دیگر دچار زمان‌پریشی می‌شود. این زمان‌پریشی نطفه اصلی نیهیلیسم است، چراکه آدمی قادر نیست به همه خواسته‌های خود دست یابد. مردم جوامع شبه‌سرمایه‌داری یا در حال توسعه، امکان دستیابی به خواسته‌های خود را ندارند، اما از تنوع نیازهای خود آگاه‌اند. ناکامی در این مطالبات برآورده‌نشده منتهی به نیهیلیسم می‌شود. از این پس انتقام از دیگری به‌عنوان سوزه این ناکامی در دسترس کار قرار می‌گیرد. مانند این ایده که این روزها بسیار رایج است که این مهاجران هستند که فرصت‌های زندگی ما را می‌زدند. ژرژک تعبیری با عنوان «شیء» مطلق ملی» دارد که وجوه عمیق‌تری از انتقام را عیان می‌کند. آدام کوئینسکو در کتاب «ژرژک و الهیات» می‌نویسد: «سرمایه‌داری ذاتا اضطراب‌آفرین است و مدام امیال جدید به وجود می‌آورد. در جوامع سنتی نوعی ارباب یا مهتر مداخله می‌کند تا مانع از انفجار تخاصم بنیادین جامعه شود. اما در عصر مدرن، سیمای ارباب یا مهتر متزلزل شده است؛ یعنی جایگاه قدرت خالی است و سرمایه‌داری آزادانه می‌تازد. در چنین وضعیتی مردم به هویت‌های ملی روی می‌آورند که پس‌مانده دوره‌های تاریخی گذشته‌اند و اغلب از هیچ برای خودشان یک میراث تاریخی مشخص می‌سازند. امری که ژرژک آن را شیء مطلق ملی می‌نامد. تبدیل می‌شود به راهی برای سروسک‌ل‌دادن به لذت‌گروه یا اجتماع از طریق ساختن یک سبک زندگی پایدار. ذات تعارض‌آمیز سرمایه‌داری مانع از تثبیت این زندگی پایدار است. بنابراین شیء» مطلق ملی (مثلا «آمریکا») لزوما نوع نژادی دیگری به بار می‌آورد (مثل «مهاجران غیرقانونی») که گمان می‌رود ژوئیسانس ما را می‌ریایت. در حالت افراطی، وقتی ارباب یا مهتری جدید خود را به‌عنوان مدافع شیء» مطلق ملی جا می‌زند، می‌توان انتظار ظهور فاشیسم را داشت. آن وقت کاری نمی‌ماند، جز تصفیه دیگری از بدنه اجتماعی تا توازن اسطوره‌های ازدست‌رفته احیا شود». ظهور برخی افکار مبنی بر بازگشت به پادشاهی را باید در این مفهوم جست‌وجو کرد، یا عبور از نیهیلیسم در ناکامی وضع موجود. تاریخ، سطحی مسطح نیست که بتوان وقایع آن را به‌راحتی احیا کرد. تاریخ پر است از فرازونشیب‌هایی که پشت سر مانده است. هر جامعه‌ای برای خلاصی از وضعیت نیهیلیسمی درصدد است از این وضعیت عبور کند. عبور از عقب‌ماندگی قاجار با مشروطه، عبور از دیکتاتوری و صفات تحمیل‌شده از سوی استثمارگران که با ناکامی برآمده از ۲۸ مرداد به سرانجام نرسید و از این رو است که ۲۸ مرداد از یاد و خاطره کسانی که این دوره را زیسته‌اند، زودندی نیست. شکستی که نیهیلیسمی عمیق و تاریخی بر جای گذاشت.

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
۱۹ ذی‌القعدة ۱۴۴۶
۱۷ می ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۱۱
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید: «شرق» الزام ثبت اطلاعات سقط جنین قانونی در سامانه‌های دولتی را بررسی می‌کند • در چهارمین سالگرد درگذشت اکبر ترکان مطرح شد؛ از شایسته‌پروری تا نقد ناترازی عقل در حکمرانی

پس از تعویق نشست رم، تهران و تروئیکای اروپایی در استانبول دیدار کردند

ایران و اروپا؛ روی خط «گفت‌وگو»

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۲ بخوانید



گزارشی درباره مداخلات گسترده دولت‌ها در اقتصاد که منجر به کسری برق و زمین‌گیری کارخانجات شده است

مصیبت ناترازی

یادداشت

فرجام تکریم حقوق مالکیت



سیدجوادجمالی

کارشناس اقتصادی

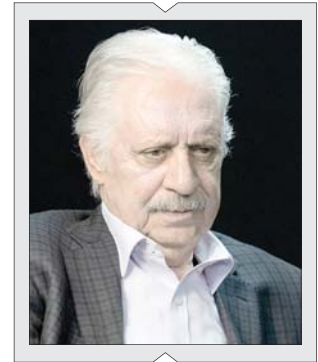
سرمایه‌ای، فکری و...) که در تملک او است، تعریف کرد. اسپانیا در قرن ۱۶ به واسطه ناوگان دریایی قدرتمندی که در اختیار داشت، چیرگی و برتری خاصی در مقایسه با دیگر رقبای اروپایی خود به دست آورده بود. ناوگان دریایی مجهز اسپانیا امکان کشورگشایی و فتح سرزمین‌های جدید به‌ویژه در قاره آمریکا را فراهم آورد. فیلیپ دوم با غلبه بر آژنگ‌ها در مکزیک و اینکاها در پرو، امپراتوری عظیمی را برای خود به ارمغان آورد. اسپانیایی‌ها در این زمان منابع غنی از طلا و نقره در مستعمرات جدید خود تصاحب کردند و ثروت و درآمد سرشاری که از معادن طلا و نقره نصیب دولت اسپانیا می‌شد، سبب شد وابستگی دولت به اخذ مالیات تنزل یابد. در قرن ۱۶ تجارت در

اسپانیا رونق چشمگیری داشت، فناوری برتر اسپانیا در دریاوردی عاملی بود که تجار فراوانی به سوی تجارت سوق داده شدند. حکومت نیز با ایجاد حقوق مالکیت کارا انگیزه کافی برای توسعه فعالیت بازرگانی را فراهم آورد. بازرگانان که حمایت و پشتیبانی حکومت را درک می‌کردند، به طمع سود بیشتر فعالیت خود را گسترش می‌دادند. توسعه تجارت ابزاری بود که دوره حاکمیت، درآمد بیشتری از محل مالیات به دست آورد. اما دستیابی به غنایم انبوه نقره، نیاز دولت اسپانیا به اخذ مالیات را کاهش داد. در ادامه دولت، تجارت را به انحصار خود درآورد و با بی‌توجهی به حقوق مالکیت بازرگانان، موجبات سقوط تجارت در اسپانیا را سبب شد. از آن زمان به بعد اسپانیا در سراسییی سقوط قرار گرفت و جایگاه ممتاز خود در دنیا را از دست داد. از سوی دیگر، در اوایل قرن ۱۶، انگلیس یک قدرت کوچک اروپایی بود که دوره التیام و ترمیم پیامدهای ویرانگر جنگ داخلی خود موسوم به «جنگ رزها» را پشت سر می‌گذاشت. انگلیس اصلا در شرایطی قرار نداشت که بتواند با قدرت‌های برتر هم‌عصر خود وارد جنگ شود. در سال ۱۵۸۸

اسپانیای قدرتمند به انگلیس حمله‌ور شد. بر اثر برزوف‌ن‌های دریایی غیرمنتظره به صورت تصادفی انگلیس بر اسپانیا غلبه کرد.

اما داستان به اینجا ختم نشد. جنگ‌های ایران و روس، سرآغازی شد برای آنکه جامعه ایرانی با دنیایی جدید آشنا شوند و به مرور و پس از شکست از روسیه و تا آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، آرام‌آرام این آشنایی وارد جامعه اشراف شد، اینکه جهان، طور دیگری هم هست. تا پیش از آن، جهان ما همان بود که با وجود گذشت چندین قرن می‌شد در کتاب «تاریخ بیهقی» آن را دید. آنجا که سلطان مسعود از وزیرش نظر می‌خواست و وزیر پاسخ می‌داد «امر امر سلطان» است که او هرچه سلطان بگوید. این هرچه سلطان بگوید و هرچه سلطان بخواهد، می‌رسد تا «حمام فین کاشان» و «رگ امیرکبیر». اما جامعه می‌رود تا می‌رسد به انقلاب مشروطه. از شکست در جنگ با روسیه تا انقلاب مشروطه است که سیاست از درون کاخ مسیری را طی می‌کند تا به عرصه عمومی می‌رسد و دوران نصیحت‌الملوکی پایان می‌یابد و نصیحت، جای خود را به انتقاد و نقد می‌دهد. همه تلاش‌هایی هم که در این ۱۲۰ سال شده (و بیشترینش در زمان رضا شاه) که سیاست بشود همان معنایی که ناظم‌الاطباء گفته، از آنجا که این غول دیگر از شیشه بیرون آمده، دیگر به درون شیشه بازمی‌گردد و دلیلش فقط یک چیز است، رسانه. رسانه آن عاملی است که از «کاغذ اخبار» تا امروز که در بسترهای مجازی، برای هرکسی این امکان را فراهم کرده تا نظر خود را منتشر کنند، هر روز عرصه عمومی را گسترده‌تر کرده است. نمی‌دانم یادتان هست یا نه، ولی یک زمانی در همان سال‌های اول انقلاب، رسم شد که بگویند، نقد باید سازنده باشد. یعنی سازندگی را به منتقد برمی‌گرداند نه به صاحب قدرت. یعنی اگر صاحب قدرت در کارش به سازندگی نمی‌پردازد، اشکال در نقدی است که سازندگی ندارد، درحالی‌که آن کسی که صاحب قدرت است باید بسازد نه آن کسی که ایرادها را نشان می‌دهد. اصلا نقد و منتقد که وظیفه‌اش سازندگی نیست. حتی وظیفه‌اش نشان‌دادن راه نیست. اینکه بگویم با نقدی که می‌کنی راحل هم بده، منحرف‌کردن موضوع و فرار از مسئولیت است.

منتقد وظیفه‌اش این است که جای زخم را نشان دهد. این صاحب قدرت است که باید برای درمان زخم راحل بیاید، والا چرا آنجا نشسته، بیاید پایین و در میان مردم. مردم به او قدرت سپرده‌اند که راحل بیاید، رسانه و منتقد هم کارش این است که هشدار بدهد. مردم یعنی عرصه عمومی و چون سیاست در عرصه عمومی رخ می‌دهد، نقد هم در همین عرصه اتفاق می‌افتد. مدتی است که برخی از نزدیکان رئیس‌جمهور از این می‌گویند که نقد بر دولت را باید خصوصی به ایشان رساند و هرکس نقد دارد باید راحل هم ارائه کند. این نگاه همان آنکه کهن نصیحت‌الملوکی است که ۱۲۰ سال است دوران‌ش تمام شده و رسانه هم روابط عمومی دولت نیست. وقتی دولت در عرصه عمومی سیاست‌ورزی می‌کند، نقد آن هم در عرصه عمومی اتفاق می‌افتد و نه در گوش‌ی و خصوصی، حتی به تندترین شکل.



گفت‌وگوی «شرق» با علی بیگلری، کارشناس مسائل اروپا

ترامپ می‌خواهد اروپا را گوشمالی دهد

۵

برگزیده‌ها

شعارهای اعتراضی هواداران جملات کنایه‌ای بازیکنان پرسپولیس

زخمی که سر باز کرد

۹

نشست مسئولان نظام سلامت برای «پایان به خشونت علیه کادر درمان»

خودکشی رزیدنت‌ها

۶ برابر بیشتر

از جمعیت عمومی

۱۰

بررسی حقوقی و اقتصادی رای شورای رقابت در پرونده شکایت دیجی‌بی علیه اسب‌بی

در مسیر رقابت سالم

کسب‌وکارها

۴



در گذشت نرخت امیرآبادیان خبرنگار سیاسی و حمیدرضا درجانی عکاس ورزشی

جامعه مطبوعاتی

به سوگ نشست

درگذشت همکاران عزیز و گرامی‌مان را به جامعه رسانه‌ای، دوستان و خانواده‌های آنان تسلیت می‌گوییم

۱۲

یادداشت

کُپی چاپ‌خوری

و دزدی تاریکی



علیرضاغریب‌دوست

تردیدی ندارم که خواننده محترم این سطور علاقه‌مند است از آخرین تحولات منطقه و جزئیات سفر ترامپ به خاورمیانه، بهین‌طور آخرین اخبار از مذاکرات «مستقیم/نیمه‌مستقیم/غیرمستقیم» ایران و آمریکا بخواند. اما مرور یک حادثه در روزهای پرتنش جنگ جهانی دوم، باعث شد نگارنده این سطور به «زدی تاریکی» بپردازد و آن اخبار مهم را رها کند؛ چراکه نتایج آنها وقتی موضوعیت خواهد داشت که ما در داخل خودمان ظرفیت «تحول» و «توسعه» را کسب کرده باشیم. نقل است که وینستون چرچیل خبری بسیار تلخ و ناامیدکننده از خطوط نبرد دریافت کرد و ضمن صدور دستور فوری تشکیل جلسه اضطراری دولت، به راننده خود دستور می‌دهد هرچه سریع‌تر او را به ساختمان شماره ۱۰ خیابان داونینگ (Downing Street) برساند. راننده که آشفته‌گی و اضطراب او را می‌بیند، متوجه اهمیت این جلسه شده و تصمیم می‌گیرد برای زودتر رسیدن، خیابانی یک‌طرفه را در وسط شهر لندن -که دسترسی به محله وست مینستر (Westminster) را تسریع می‌کند- خلاف جهت بشود. درحالی‌که خیابان ورود ممنوع را طی می‌کردند، پلیس جلو‌خودروی آقای نخست‌وزیر را می‌گیرد.

۱۱

جناب آقای محمد عالی‌زاده

مصیبت وارده را به شما

و خانواده محترم تسلیت

می‌گوییم، برای آن مرحوم

غفران و برای بازماندگان

صبر مسئلت داریم.

روزنامه شرق

۱۲

۱۱